

طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های عامیانه ایلامی

علیرضا شوهانی^{*۱}

(تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۳۱)

چکیده

نوع ادبی چیستان- که از گذشته تاکنون در میان همه فرهنگ‌های بشری قدمت بسیاری دارد- پیشینه مکتوب آن در فرهنگ و ادب فارسی، به ادبیات پیش از اسلام و به دوره زبان اوستایی بازمی‌گردد؛ اما در ادبیات شفاهی از گذشته‌های دور در میان همه اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایران و از جمله قوم کرد و به‌ویژه مردم ایلام رواج داشته است. از مهم‌ترین دلایل رواج سنت چیستان‌گویی در فرهنگ و زبان ایلامی می‌توان به جنبه سرگرمی، خلاقیت‌بخشی، باریک‌بینی، تقویت تفکر و حافظه، تشحیذ ذهن و اندیشه‌ورزی آن اشاره کرد. در یک نگاه کلی می‌توان چیستان‌های عامه ایلامی را متناسب با اجزاء سازنده آن‌ها در شش گروه با موضوعاتی همچون گیاهان و میوه‌ها، حیوانات و اجزاء حیوانی، انسان و حالات و اجزاء انسانی، ابزار و محصولات ساخته بشر، عناصر و اجزاء طبیعی و علوم و معارف بشری طبقه‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی: چیستان، ادبیات عامه، فرهنگ عامه، زبان کردی ایلامی.

۱. مقدمه

چیستان (چیست+آن) یا لُغز که بیشتر با کلمه «چیست آن» آغاز می‌شود و آن را اُحجیه و به عربی اغلوطه خوانند، بنابر تعریف شمس قیس رازی:

آن است که معنی از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه به طریق سؤال پرسند ... و این صنعت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبتی دارد و به حشو الفاظ دراز نگردد و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید دور بود، پسندیده باشد و تشحید خاطر را بشاید ... این صنعت همان معما است، الا که این را به طریق سؤال گویند و عجم این را چیستان خوانند (دهخدا، ذیل چیستان).

چیستان معمایی است به صورت پرسش منظوم درباره چیزی با دادن نشانی‌های آن، که بیشتر با «چیست آن؟» یا «آن چیست؟» شروع می‌شود، مانند «چیست آن آسیا که گردش او/ نه ز آب است و نه ز جنبش باد// سنگ زیرین او همی گردد/ کس چنین آسیا ندارد یاد» که پاسخ آن آرواره است (انوری، ۱۳۸۱: ۲۴۳۳/۳).

چیستان یک نوع (ژانر) ادبی است (ر.ک: شمیسا، ۱۳۶۹: ۲۵۶) که از نظر زمانی قدمت بسیاری دارد و از نظر مکانی نیز گستره همه فرهنگ‌های بشری را در برمی‌گیرد. به جرئت می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی این نوع ادبی، شفاهی بودن آن است که از گذشته‌های دور تا به امروز، سینه‌به‌سینه نقل شده و ماندگاری یافته است. این ویژگی چیستان، بیانگر این واقعیت است که این نوع برخلاف دیگر انواع ادبی، جنبه شفاهی داشته و افزون‌بر شاعران و ادیبان، در میان عامه مردم نیز رونق و رواج یافته است. این امر شاید به سبب کارکردهای عام و متنوع چیستان است که از جمله آن‌ها می‌توان به جنبه سرگرمی، خلاقیت‌بخشی، باریک‌بینی، تفکر، تشحید ذهن، اندیشه‌ورزی و ... اشاره کرد. با این توضیح می‌توان چیستان‌ها را از نظر زبان و بیان، در دو دسته چیستان‌های ادبی و چیستان‌های عامه یا شفاهی تقسیم‌بندی کرد. چیستان‌های ادبی که سروده

شاعران در وزن‌های عروضی است پیچیده‌تر و فاخرتر از شکل چیستان‌های عامه است؛ اما چیستان‌های عامه ریشه در فرهنگ مردم دارند و سینه‌به‌سینه نقل شده‌اند. ویژگی این چیستان‌ها سادگی، کوتاهی و قابل فهم بودن آن است و از نظر وزن نیز لزوماً عروضی نیستند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

تاریخ سرایش چیستان به ادبیات پیش از اسلام و به دوره زبان اوستایی بازمی‌گردد.

قالب ادبی چیستان:

یکی از قالب‌های کهن ادبیات ایران است که قدیم‌ترین اثر آن در *اوستا* دیده می‌شود. در آبان‌یشت (بند ۸۱-۸۳) آمده است که یوایشته^۱ از خاندان فرینه^۲ برای آناهیتا صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد و از او یاری خواست تا بتواند به ۹۹ پرسش سخت اختیه^۳ پلید خیره‌سر پاسخ دهد و آناهیتا خواهش او را برآورد. در *اوستا* به اصل چیستان‌ها و پاسخ‌های آن اشاره‌ای نشده است؛ ولی صورت پهلوی این چیستان‌نامه با عنوان مادیاگان یویشت‌فریان^۴ در دست است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

اگرچه کهن‌ترین سابقه خلق چیستان در زبان فارسی به ادبیات اوستایی برمی‌گردد؛ اما بهترین نمونه‌های مکتوب آن مربوط به دوره پهلوی است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت زبان و ادبیات فارسی دوره میانه یا دوره پهلوی حلقه اتصال و ارتباط چیستان‌های امروزی با مشابه آن در دوره زبان باستان است.

قالب چیستان یکی از قالب‌های ادبی بسیار رایج ادبیات پهلوی بوده و از آنجا به ادبیات فارسی راه یافته است. یک نمونه این قالب ادبی، پرسش‌هایی است که در *شاهنامه*، موبدان در حضور منوچهر به صورت چیستان از زال می‌کنند تا پایه دانش او را دریابند. پرسش‌ها چنین‌اند: آن دوازده سرو که در پارسی همه یک اندازه‌اند، کدام‌اند؟ پاسخ: دوازده ماه‌اند. آن دو اسب تازنده که یکی سپید و یکی سیاه‌اند، کدام‌اند؟ پاسخ: روز و شب‌اند. آن سی سوار که گاه یکی کم آید، کدام‌اند؟ پاسخ: سی روز ماه‌اند که گاه بیست‌ونه روز گردند و ... یک صورت دیگر از این قالب چیستان آن است که دانایان کشوری برای آزمودن هوش دانایان کشور دیگر،

آزمایش‌هایی ترتیب می‌دهند، برای مثال دانایان هند بازی شطرنج را به ایران می‌فرستند و از دانایان ایران می‌خواهند که راز این بازی را کشف کنند و اگر درماندند، ایران دیگر از هند خراج نخواهد. البته بزرگمهر راز بازی را کشف می‌کند و سپس برای مقابله، دانایان ایران بازی نرد را به هند می‌فرستند تا دانایان هند راز آن را کشف کنند که در می‌مانند (همان، ۱۷۰).

این شیوه چيستان‌گویی که بر پایه پرسش و پاسخ استوار است، در ادبیات فارسی پس از دوره اسلامی نیز رواج و ادامه یافته است. پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به آن‌ها، دامنه وسیعی از علوم و عقاید انسانی از جمله ریاضیات، نجوم، طب، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ عامه، سیاست و آیین کشورداری و حتی دین و مذهب را نیز در برمی‌گرفته است. اگرچه این پرسش و پاسخ‌ها در طول زمان منسجم‌تر شده و به تناسب رشد علوم و معارف انسانی، دقت علمی بیشتری یافته است؛ اما گاه به تناسب موضوع، مخاطب و هدف از شدت و ضعف نیز به‌دور نمانده‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان پاره‌ای از آن‌ها را در حکم معماهایی سست و بی‌اساس دانست. بهترین منبع موجود برای رصد این شیوه چيستان‌گویی در ادبیات دوره پس از اسلام، کتاب گران‌سنگ شاهنامه است.

این شیوه روایی در واقع گونه‌ای پرسش و پاسخ است و پرسش و پاسخ در شاهنامه بسیار دیده می‌شود که خود در شمار گفت‌وگوشنود می‌گنجد؛ اما آنچه از آن به طرح معما تعبیر کرده‌ایم، طرح سؤالات معماگونه‌ای است که حل کردن یا نکردن آن، تأثیری بزرگ در ادامه داستان‌ها دارد. برخی از این معماها معمولاً با ظاهری ابتدایی معنایی نمادین دارند، به‌ویژه که اغلب جواب‌ها از معنایی نمادین برخوردارند، مثل طرح معمای افراسیاب و جواب‌گویی کیخسرو و کودک (فردوسی، ۱۶۵/۳-۱۶۶) ... طرح سؤالات موبدان از زال در محضر منوچهرشاه (همان، ۲۸۵/۱-۲۹۰) ... پرسش و پاسخ اسکندر و برهمنان (همان، ۶۸-۶۴) و طرح معمای موبد قیصر و بهرام گور در قالب هفت پرسش و پاسخ (همان، ۷/ ۴۰۲-۴۰۶). ویژگی بارز این معماها- جز چند مورد که بار نمادین دارند- ضعف و سستی پرسش‌ها و حتی پاسخ‌هاست ... این طرح سؤالات معماگونه در این

بخش‌ها، چنان مُطنب و خسته‌کننده می‌شود که فردوسی خود در پایان مجلس هفتم بوذرجمهر، خدای را سپاس می‌گوید که از کار دیگر معماها فارغ شده است و می‌تواند به داستانی دیگر بپردازد (جعفری، ۱۳۸۹: ۵۵).

این شیوه چیستان‌گویی در دوره پس از *شاهنامه* و در گستره ادب فارسی به حیات خود ادامه داد و اگرچه در دوره‌هایی کمتر به آن توجه شده، اما در دوره‌هایی از تاریخ ادبیات فارسی چنان مدنظر شاعران و ادیبان قرار گرفته است که می‌توان آن را دوره چیستان‌گویی نامید؛ آن‌گونه که شفیعی کدکنی (۱۳۸۲: ۲۲-۲۳) در *تاریخ ادبیات فارسی*، عصر تیموری را عصر چیستان، تصنع و تکرار نامیده است.

در این دوره، چیستان و معما بخش اصلی هنر شاعری است و واصفی بهترین شارح ذوق آن روزگار، هرگز از بیان هنر معماسازی خود و استادی خویش در این فن باز نمی‌ماند. وی با غرور می‌گوید که چگونه معماها را بی‌آنکه به وی درباره‌شان توضیحی داده باشند، حل کرده است و گاهی به سخت‌ترین روش‌ها آزموده شده، اما سرانجام از آزمایش سربلند بیرون آمده است. واقعیت این است که در آن عصر، چیستان و معما عامی‌ترین شکل هنر شاعری تلقی می‌شد ... گویا امنیتی که چندی پس از هجوم مغول و تیمور پدید آمد، سبب شد که مردم از آرامش نسبی برخوردار شوند و در نتیجه ساعات فراغت خود را صرف حل معما کنند. نیاز به گفتن نیست که چیستان و معما تا حدی وظیفه جداول کلمات متقاطع روزگار ما را انجام می‌داد.

صفا (۱۳۸۶: ۱۹۳/۴) نیز در کتاب *ارزشمند تاریخ ادبیات در ایران*، به این مطلب اشاره کرده است.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، چیستان‌ها از نظر موضوع و محتوا، بسیار گسترده هستند و می‌توان آن‌ها را از نظر اهداف ساختشان، در سه گروه عمده زیر طبقه‌بندی کرد:

گروه نخست آن‌هایی هستند که هدفشان آموزش دادن برخی دانستی‌های ساده در مسائل دین و اجتماع و خانواده و کار روزانه و آداب‌دانی است و روی سخن آن‌ها

بیشتر با کودکان و جوانان است ... گروه دوم چیستان‌هایی هستند که صرفاً جنبه سرگرمی و مجلس‌گرمی دارند، مانند چیستان سگ که نشسته بلندتر از ایستاده است ... گروه سوم چیستان‌هایی هستند که معنی سمبلیک دارند، نظیر چیستان «دُرچ سربسته» در *شاهنامه* و چیستان «بانوی حصاری» در *هفت پیکر*. گذشته از صورت‌های چیستان که در بالا از آن‌ها نام رفت، یک نوع چیستان معکوس نیز وجود دارد و آن بدین صورت است که پرسش‌ها ساده، ولی پاسخ‌ها رمزی است و صورت چیستان دارد ... [مانند] پرسش‌هایی که در *شاهنامه* افراسیاب از کیخسرو می‌کند، با قصد معکوس که اگر در پاسخ او نشانی از هوشمندی یافت، او را بکشد؛ ولی کیخسرو خود را به دیوانگی می‌زند و پاسخ‌هایی می‌دهد که ظاهراً پرت‌وپلاست؛ ولی برخی معتقدند که در آن‌ها یک معنی رمزی نهفته است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

۲. پیشینه تحقیق

سنت چیستان‌گویی و چیستان‌خوانی در فرهنگ و ادب فارسی، اگرچه پیشینه دیرینه‌ای دارد؛ اما در دوره‌هایی و بنا به دلایلی با شدت و ضعف و توجه و بی‌مهری رویارو بوده است. باوجوداین، این سنت غنی فرهنگی و ادبی تا به امروز زنده و پابرجا باقی مانده و چه بسا شاعران و نویسندگان و محققان معاصر نیز بدان توجه داشته و نمونه‌هایی از آن را در آثار خود خلق یا محل تحقیق قرار داده‌اند. برای مثال، احمد شاملو در کتاب *کوچه* بسیاری از چیستان‌های عامیانه را گردآوری کرده یا ابوالقاسم حالت نمونه‌ای زیبا و امروزی آن را - که در موضوع گرانی و تورم است - در سروده‌ای به نظم کشیده است (ر.ک: حالت، ۱۳۷۲: ۱۶۶-۱۷۰). باوجود اهمیت سنت چیستان‌گویی و چیستان‌دانی در فرهنگ عامه مردم ایلام، متأسفانه تاکنون اثر مستقلی در این خصوص گردآوری و چاپ نشده است. این مقاله که برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده در دانشگاه ایلام با عنوان «گردآوری، آوانگاری و برگردان چیستان‌های ایلام» است، برای نخستین بار به بررسی مجموعه چیستان‌های ایلامی می‌پردازد.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق نگارنده در انجام این طرح پژوهشی و مقاله استخراج‌شده از آن، در بخش مقدمات و تعاریف، به شکل کتابخانه‌ای و در بخش گردآوری چیستان‌ها، میدانی بوده است. نگارنده پس از گردآوری چیستان‌ها از مناطق مختلف با گویش‌های متفاوت در ایلام، آن‌ها را در شش محور جداگانه - که در ادامه ذکر خواهد شد - دسته‌بندی کرده است.

۴. چیستان‌های عامیانه ایلامی

سنت چیستان‌گویی و چیستان‌دانی در میان همه اقوام و خرده فرهنگ‌های ایران و از جمله قوم کرد و به‌ویژه مردمان ایلام رواج دارد. چیستان‌های ایلامی بیشتر از نوع چیستان‌های محلی یا عامه است که از گذشته‌های دور و به شکل شفاهی به امروز رسیده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این چیستان‌ها می‌توان به کوتاهی و سادگی آن‌ها اشاره کرد. از آنجا که بیشتر چیستان‌های ایلامی در زمره چیستان‌های مثنوی جای دارند، فاقد وزن عروضی هستند. باوجوداین، سعی سازندگان بر آن بوده است تا آن‌ها را در دو پاره یا بیشتر بیافرینند و با استفاده از نوعی هارمونی واژگانی و نیز بهره‌بردن از اصوات معروف یا مهمل زبان محلی، نوعی موسیقی شبیه به وزن دوری در دو پاره ایجاد نمایند تا ضمن گوش‌نواز بودن، بهتر بتواند در اندیشه مخاطب ماندگار گردد. با این توضیح می‌توان دریافت، سنت چیستان‌گویی با عنوان محلی «چه‌وچه» در میان ایلامیان پیشینه‌ای همسو با تاریخ و تمدن ایلامی دارد و باوجود همه جنبه‌های گوناگون آن، امروزه در معرض بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گرفته است و بیم آن می‌رود که در عصر ارتباطات، با جایگزینی ابزارهای تکنولوژی جدید و نیز سپری شدن نسل قدیم - که سینه آنان گنجینه بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی قوم ایلام است - این آسیب و بی‌مهری هرچه بیشتر نمایان شود.

از مهم‌ترین ویژگی‌های چیستان‌های ایلامی جنبه سرگرمی و تشحیذ ذهن است که تا به امروز نیز این کارکرد حفظ شده است. از یک دیدگاه کلی می‌توان چیستان‌های ایلامی را براساس موضوع و متناسب با اجزاء سازنده آن‌ها، در شش دسته یا گروه طبقه‌بندی کرد. مهم‌ترین و پرکاربردترین این موضوعات عبارت‌اند از:

۱. انسان و حالات و اجزاء انسانی؛
۲. حیوانات و اجزاء حیوانی؛
۳. گیاهان و میوه‌ها؛
۴. ابزار و محصولات بشری؛
۵. علوم و معارف بشری؛
۶. عناصر و اجزاء طبیعی.

۴-۱. انسان و حالات و اجزاء انسانی

در این گونه چیستان‌ها، معمای موردنظر بیشتر در رابطه با اجزاء بدن انسان مانند دست، پا، چشم و ... طرح شده‌اند. از آنجا که این اجزاء محدود و مشخص‌اند و همه افراد بر شکل ظاهری و کارکرد آن‌ها آگاهی دارند، چیستان‌های ساخته‌شده با آن‌ها، در بین انبوه چیستان‌ها، شمار کمتری دارند.

مثال: **په‌نج که مووتەر سه‌ر که‌و که‌و، چینگه بردن وه ده‌روهن که‌و.**

Panj kamutar sar kaw kaw, çinga berden wa darwan kaw

برگردان: پنج کبوتر خاکستری‌رنگ دانه‌ها را به دره کبود بردند.

جواب: پنج انگشت دست که لقمه غذا را به طرف دهان می‌برند.

مثال: **په‌نج پرا وه شه‌له شه‌لی، بار بردن وه ده‌رته‌نگی.**

Panj berâ wa şala şalê, bâre berden wa dar tangê

برگردان: پنج برادر لنگان لنگان که باری را به دره تنگی می‌برند.

جواب: پنج انگشت دست که لقمه غذا را به طرف دهان می‌برند.

مثال: سیه چۆ زخال چه‌رمگ چۆ شیر، چه‌فته چۆ که‌مان خه‌ده‌نگه چۆ تیر.

Sia çü zexâl çarmeg çü şir, çafra çü kamân xadanga çü tir

برگردان: سیاه مثل زغال، سفید مثل شیر، قوس‌دار مثل کمان، تیز مثل تیر.

جواب: چشم و ابرو و مژه (یا نگاه).

مثال: میوانگ ئه‌پام هاتگه ده شار مه‌رمه‌ر، ئه‌پای سهر بریمه دو کاور ته‌ر، نه

کاوره‌گه سخان دیرئ، نه میوانه دنان دیرئ.

Mêwâneg ?arâm hâtga da şare mař mař, ?arâ sar beřima do kaweře tař
na kaweřaga sexân dêrê, na mêwâna denân dêrê

برگردان: یک مهمان از شهر مرمر دارم، برایش یک بره تر و تازه سر بریدم، نه بره

استخوان دارد، نه مهمان دندان دارد.

جواب: نوزاد و پستان مادر.

هنگامی که موضوع معما مربوط به حالات و صفات روحی و باطنی انسان باشد، شمار چیستان‌ها کم‌تر می‌شود. شاید سبب این امر دشواری بیان و اظهار حالات درونی در قالب گفتار عامیانه باشد. افزون‌براین، مردمان ایلام به‌سبب زندگی در دامنه طبیعت بکر و زیبای زاگرس و انس با پدیده‌های طبیعی مانند کوه، جنگل، سبزه، گل و چشمه‌ساران زیبا، مردمانی برون‌گرا و طبیعت‌اندیش‌اند نه مردمانی درون‌گرا و باطن‌بین.

مثال: نه خوه‌رئ نه چه‌رئ، نه ها ده هه‌وا نه ها ده زه‌وی، کوت کوت گووشت

ئایه‌م خوه‌رئ.

Na xwarê na çarê, na hâ hawâ na hâ da zawi, kot kot guşt ?âem
xwarê

برگردان: نه می‌خورد و نه می‌چرد، نه در زمین است نه در هوا، اما کم کم از گوشت

آدمی می‌خورد.

جواب: غصه.

۲-۴. حیوان و اجزاء حیوانی

این دسته از چیستان‌ها، بخش عمده‌ای از چیستان‌های عامه ایلام را به خود اختصاص داده است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، انس مردمان ایلام با طبیعت بکر زاگرس و دیدن زیبایی‌های آن از جمله حیوانات و پرندگان و نیز زندگی دام‌پروری مردمان این دیار، باعث شده است تا موضوع حیوانات اهلی و وحشی در طرح چیستان‌های ایلامی، حضور پررنگ و زیبایی داشته باشد.

مثال: ریش ئسپی ته‌غهل مه‌غهل، ده‌س له جیو پا ده به‌غهل

Riş ?aspê ?aqal maqal, das la jiw pâ da baqal

برگردان: ریش سفید و عجیب و غریب است، دست در جیب و پا در بغل دارد.

جواب: بز کوهی.

مثال: چه‌قی چه‌قاون، چه‌فته چۆ ته‌رجن، برارزای شه‌یتان، خوارزای دیو و

جن.

çaqi çaqâwen, çafta çü ?arjen, berârzâê şaêtân, xwârzâê dêw o jen

برگردان: صدای چاق‌وچوق می‌دهد و مانند چوب درخت ارجن کج است (شاخ).

برادرزاده شیطان است و خواهرزاده دیو و جن.

جواب: بزکوهی.

مثال: ژه دۆر هات ژه نۆر هات، قوله‌نگ وه‌شان بو خۆن هات.

Ža dūr hât ža nūr hât, qoLang waşân bo xün hât

برگردان: از دور آمد و از نور آمد و کلنگی زد که جایش خون آمد.

جواب: زنبور و نیش زنبور.

مثال: پرتالی دیم بته‌و، نه‌ده‌رزن دۆرنیگه‌ئ، نه‌نافیره بریگه‌ئ.

Pertâlê dim betaw, na darzen dürnêgaê, na nâfira brêgaê

برگردان: لباسی محکم دیدم که نه سوزن آن را می‌دوزد نه قیچی آن را می‌برد.

جواب: پوست مار.

مثال: **چم گا و دهنگ قه‌ۆین، مل پهلنگ و پهنگال شیر.**

çam gâ o dang qaiên, mel paLeng o pangâl şêr

برگردان: چشم آن مانند گاو است و صدای آن بلند است، گردنی مانند پلنگ و

پنجه‌ای مانند شیر دارد.

جواب: قورباغه.

مثال: **نخه سهر نژی چه م هه‌ره پا، هه‌رکه وته‌ئ مه‌رحه‌با.**

Nexa sar neži çam hařa pâ, har ka wetaê marhabâ

برگردان: سر آن مانند نخود و چشمش مانند عدس و پایش مانند اره است. آفرین

بر کسی که نام آن را بگوید.

جواب: ملخ.

مثال: **مه‌ل به‌چه‌زا بوچگ و نازار، وه‌ختن‌ئ خه‌فی سهر که‌یگه‌و خوار.**

mal baçazâ buçeg o nâzâr, waxtê xafê sar kaêgaw xwâr

برگردان: پرنده‌ای کوچک و ناز که بیچه می‌زاید و هنگام خواب سر را به پایین

می‌اندازد.

جواب: خفاش.

مثال: **هه‌ره سهره و بلویر ژهن.**

Hařa sara o belwêr žan

برگردان: سرش مانند اره است و ساز می‌نوازد.

جواب: خروس.

مثال: **ئه‌ر تو سه‌رافی مه‌پرسه‌ه‌وال ئه‌وه کام مه‌له یه‌ئ سهر و شه‌ش بال**

ar to sařâfi mapersa hawâl/ ?awa kâm mala yaê sar o şaş bâL

برگردان: اگر صراف (آگاه) هستی احوال آن را مپرس، آن چه پرنده‌ای است که یک سر و شش بال دارد.
جواب: ماهی.

مثال: له فصل وه هار له ک له ک ئه وره، قالیچه‌ی گول دار ده ستکار گه وره.
La fasLe wahâr laklak ?awra, qâliçaê goL dâr dastkâre gawra
برگردان: در فصل بهار، آسمان خال خال (ابرهای تکه تکه) است و مانند قالیچه‌ای گل دار است که گبران آن را بافته باشند.
جواب: پلنگ.

مثال: له ئاسمان وه ریسمان، قنجگئی گوشت زه مین سمان.
La ?âseman wa rêsemân, qenjegê gušt zamin semân
برگردان: از آسمان و ریسمان، قطعه‌ای گوشت زمین را سوراخ کرد.
جواب: موش.

نکته: در این چیستان استفاده از واژه‌های آسمان و ریسمان یا برای موزون کردن و زیبایی کلام آمده است یا شاید منظور از آسمان، بالا (بالای زمین) و منظور از ریسمان دم موش باشد. با این توضیح معنی مورد نظر آفریننده چیستان آن است که از بالای زمین یک قطعه گوشت دم دار، آن را به طرف پایین سوراخ کرده است.

مثال: ئه ره قل دیری فامت ته مامه، یه چه گوشتینگه پووسی ده نامه.
?ar ?aqeL dêri fâmet tamâma, ya çe guštêga pusê da nâma
برگردان: اگر عقل داری و فہمت کامل است، آن کدام گوشت است که پوست آن درویش است.
جواب: سنگدان مرغ.

مثال: قهومه یل براگه یل ئی دونیا چیشهن، دو ئاو ده یه‌ی جام یه مانای
چیشهن.
Qawmaêl berâgaêl eê donia çışan, do ?âw da yaê jâm ya mânâe çışan

برگردان: ای دوستان و برادران این دنیا چگونه است، دو آب در یک کاسه (که با هم قاطی نمی‌شوند) چه معنی می‌دهد؟
جواب: تخم مرغ.

۳-۴. گیاهان و میوه‌ها

همان‌گونه که در بخش قبل مشاهده شد، حیواناتی که موضوع چيستان‌های عامیانه قرار گرفته‌اند، حیوانات اهلی یا وحشی‌اند که در طبیعت منطقه وجود دارند و مردم نسبت به آن‌ها شناخت دارند. این ویژگی در چيستان‌هایی با موضوع گیاهان نیز مشاهده می‌شود؛ یعنی درختان، گیاهان و میوه‌هایی مانند بلوط، انار، انجیر، ارجن، گردو، زالزالک، قارچ، کنگر، گندم، جو و حتی برنج و ترب و پیاز در ساخت چيستان‌ها به کار رفته‌اند. این امر می‌تواند به دو دلیل باشد؛ نخست آنکه این گیاهان جزو بافت طبیعی دامنه‌های زاگرس هستند و دوم اینکه در زندگی روزمره مردمان این منطقه، حضور همیشگی و کاربرد فراوان دارند.

مثال: پالتاو بی قیمه‌تی، کراس قیمه‌تی، کلاو به‌ر به‌ری له‌ش شه‌روه‌تی.

Pâltâw bê qimat, kerâs qimati, keLâw baŕbaŕi laş şarwati

برگردان: پالتواش بی‌ارزش است؛ اما لباسش گران‌بها، کلاش برجسته و اندامش سفیدرنگ است.

جواب: درخت و میوه بلوط.

مثال: گرده چۆ گوو، هشکه چۆ چوو، تورشه چۆ دوو، زه‌رده چۆ لیموو، نه

نارینجه و نه لیموو.

Gerda çü gu, heşka çü çu, torşa çü du, zarda çü limu, na nârênja o na limu

برگردان: گرد است مثل گوی، خشک است مثل چوب، ترش است مثل دوغ، زرد است مثل لیمو، ولی نه نارنج است نه لیمو.

جواب: زالک.

مثال: سه ری بری شیر لهی دیای، زگی درپی خون لهی دیاک.

Sarê beřê řir laê diâê, zegê deřê xün Laê deiaê.

برگردان: سرش را ببری شیر می‌آید، شکمش را پاره کنی از آن خون می‌آید.

جواب: انجیر.

مثال: له شوتر بلین تر و له مهلیچگ بؤچگ تره، له ژههرمار تیهل تر و له

سخان سهخت تر و له قه ن شرین تره.

La şoter beLênter o la maliçeg bûçegtera, la žahre mâr tiaLter o la sexân saxtter o la qan řerin tra

برگردان: از شتر بلندتر است، از گنجشک کوچک تر است، از زهر مار تلخ تر است، از

استخوان سخت تر است و از قند شیرین تر است.

جواب: گردو و درخت گردو.

مثال: چل تاق چل نیم تاق، چل نازاران دهیهی تاق.

Çel tâq çel nim tâq, çel nâzârân da yaê tâq

برگردان: چهل تاق و چهل نیم تاق، چهل زیبارو در یک تاق.

جواب: انار.

مثال: چیشتیگه ئسپیه چو شیر، سفته چو په نیر، چیمنه فیروی ژه جوور نه چیر.

Çêştêga ?spêa çü řir, sefta çü panir, çimna fêrê ža jur naçir

برگردان: چیزی است که همچون شیر سفید و همچون پنیر سفت است و مانند

شکار در پی آنیم.

جواب: قارچ.

مثال: چه رمگه په نیر نیه، دو م دیروی مووش نیه.

Çarmega panir nia, düm dêrê müş nia

برگردان: سفید است؛ اما پنیر نیست. دم دارد موش نیست.
جواب: ترب.

مثال: **تۆل سهونز بن ده ئاو، کلّاو زه‌رین نقره ناو.**

Tül sawnz ben da ?âw, keLâw zařin neqra nâw

برگردان: قلمه‌ای سبز در آب که کلاه زرین دارد؛ اما از داخل نقره‌ای است.
جواب: ساقهٔ برنج.

مثال: **نو مانگ وه گومه، سئ مانگ وه ده‌ره، ساق پا باریک تووپاو وه سه‌ره.**

No mâng wa goma, sê mâng wa dara sâqe pâ bârik tupâw wa sara

برگردان: نه ماه وجود ندارد و سه ماه آشکار می‌شود (فصل بهار)، بدنش لاغر و سر
آن مانند توپی پر از تیغ است.
جواب: کنگر.

مثال: **سه‌رئ بریت و ئه‌رئ گریت.**

Sarê beřit o ?ařâê gerit

برگردان: سرش را می‌بری و برایش گریه می‌کنی.
جواب: پیاز.

۴-۴. ابزار و محصولات بشری

بشر از گذشته‌های دور تا به امروز، برای زندگی بهتر و پیشبرد اهداف و برنامه‌هایش، همواره در فکر ساخت و تولید ابزار و محصولات جدید بوده است تا به تناسب زندگی شهری یا روستایی از آن‌ها بهره‌مند شود. از آنجا که این ابزار و محصولات، ساخته دست بشر و حاصل تفکر اوست، دستمایهٔ خلق سرگرمی و تشحیذ ذهن قرار گرفته و بر این اساس در فرهنگ عامهٔ اقوام مختلف، خمیرمایهٔ اصلی آفرینش بسیاری از چیستان‌ها شده است. دو عامل مهم تعدد و تنوع ابزار و محصولات و نیز نقش آن‌ها در

زندگی روزمره ایلامیان - به خصوص در زندگی ساده و بی آرایش عشایر - باعث شده است تا ابزار و محصولاتمانند تفنگ، ترازو، مشک، فانوس، سیاه چادر، جارو، قیچی، غربال، نخ و سوزن، ساز و دهل، روسری، دوک، خمیر، روغن و ... و حتی جلوه‌هایی از صنعت مدرن مانند سیگار، خودکار، سماور، فرغون و ... نیز در ساخت چیستان‌های عامه و محلی راه یابند. در زیر به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود:

مثال: **دۆه‌ته بۆچگله‌ی چه‌م زاغه، نیشتگه ده بن ئوتاقه‌گه.**

Düata büceğelaê çam zaqa, niştega da ben ?otâqaga

برگردان: دختر کوچک چشم‌درشتی که در گوشه‌ اتاقی نشسته است.

جواب: فانوس.

مثال: **شه‌ش پا ده زه‌مین، دو ده‌م ده کنِشت، بی‌گه‌یه و گیفال، دۆم ده بان**

پیشت.

şaş pâ da zamin, do dam da keneşt be gaêa o gifâL, düm da bân bêşt

برگردان: شش پا در زمین دارد و دو دهان در حال خوردن، شکم و شکمبه ندارد.

دمش روی پشتش است.

جواب: ترازوی دستی.

نکته: ترازوی دستی دارای دو کفه یا سینی است که از آن به دو دهان تعبیر می‌شود.

هر کفه با سه طناب به چوبی آویزان شده است که از آن‌ها به شش پای ترازو تعبیر

می‌شود. چوب ترازو را با نخ یا سیمی از زمین بلند می‌کنند که آن را دُم ترازو می‌نامند.

مثال: **چوار قولی وهره‌وه‌وا، سی قول وهره‌وه‌مین، پا نه‌ی له بان یه‌ی خال**

زه‌مین.

Çwar qolê waraw hawâ, sê qol waraw zamin, pâ nay la bân yaê xâl
zamin

برگردان: چهار پا رو به هوا دارد و سه پا رو به زمین و روی یک نقطه از زمین پا

می‌گذارد.

جواب: مشک.

مثال: ئی گول دار، نه و گول دار، خوړه‌ئ شیر و هووفه‌ئ مار.

?ê gol dâr, ?aw gol dâr, xořaê řir o hufaê mâr

برگردان: بر این درخت، بر آن درخت، آواز شیر و صدای مار است.

جواب: صدای تیشه و اره در بریدن درخت.

مثال: خوړه‌ئ، خوړه‌ئ شیربگه، خوړه‌ئ چهن دهسه‌بیلینگه.

Xořaê, xořaê řêrêga, xwaê çan dasabêLêga

برگردان: اگرچه صدایش به اندازه صدای شیر است؛ اما خودش به اندازه دسته بیل

است.

جواب: تفنگ و صدای شلیک آن.

مثال: خه‌ره وه ئاوساره وه، دا وه ژیر داره وه.

Xara wa ?âwsârawa dâ žêr dârawa

برگردان: خر با افسارش از درخت عبور کرد.

جواب: نخ و سوزن.

مثال: گرمه‌ئ باوش گریوئ، نه‌مه‌ئ زه‌مین فریوئ.

Geremaê bâweř geriwê, namaê zamin feriwê

برگردان: بغلش می‌گیرم گریه می‌کند، بر زمینش می‌نهم آرام می‌شود.

جواب: زنجیر.

مثال: سی دۆت و یه‌ئ سه‌روه‌ن.

Sê düat o yaê sarwan

برگردان: سه دختر و یک روسری.

جواب: اجاق نان‌پزی (ساج و کوانگ).

مثال: کاوش که‌ئ، هۆچ نیه‌خوه‌ئ.

Kâuş kaê, hüç niaxwaê

برگردان: نشخوار می‌کند، ولی چیزی نمی‌خورد.

جواب: قیچی.

مثال: سئ پا دیرم ئاو ها کوولم، خاون ها ده هوولم.

Sê pâ dêrem ?âw hâ kuLem, xâwen hâ da huLem

برگردان: سه پا دارم و آب روی دوشم است و صاحبم به فکر من است.

جواب: مشک و سه‌پایه (مالار).

مثال: چیشتی دیرم پر میشتیگه، وازی بکه‌م پر ده یشتیگه.

Çêştê dêrem peř mêştêga, wâzê bekam peř daêştêga

برگردان: آن چیست که در یک مشت جا می‌گیرد، اگر آن را بازکنم به اندازه یک

دشت می‌شود.

جواب: روسری.

مثال: ئاسمان بۆچگئ چوار ده‌ور دیوارئ، خش خشیه وه‌فر ده‌ئ واری.

?âsmân büçegê çwâr daw diwârê, xeş xeşêa wafer daê wârê

برگردان: آسمان کوچکی که چهار طرف آن دیوار است و دانه‌های برف از آن

می‌بارد.

جواب: الک (غربال) آردبیزی.

مثال: تالی ئاوریشم تا به‌غدا کیشم.

TaLê ?awrêsem tâ baqdâ kişem

برگردان: یک رشته نخ ابریشم از این‌جا تا بغداد کشیدم.

جواب: جاده.

مثال: ها ده زه‌مین سئ پادیرئ، هیزی دی یه‌ئ پا دیرئ.

Hâ da zamin sê pâ dêrê, hêzê di yaê pâ dêrê

برگردان: وقتی زمین است سه پا دارد، وقتی بلندش می‌کنی یک پا دارد.

جواب: فرغون.

مثال: سهری تا نه‌وری چیشتی نیه‌ؤشی، له‌شی تا نه‌دری گه‌وه‌ر نیه‌رشنی.

Sarê tâ naweři çêştê niaüşe, laşê tâ nadeři gawhar niařeşnê

برگردان: تا سرش را نبری سخن نمی‌گوید، تا تنش را پاره نکنی گوهری نمی‌ریزد.

جواب: نامه.

مثال: دو دهس دیری پا نه‌یری، زگی دریاگ حال نه‌یری.

do das dêrê pâ naêrê, zegê deřyâg hâl naêrê

برگردان: دو دست دارد؛ اما پا ندارد. شکمش پاره شده و جان و رمقی ندارد.

جواب: کت.

۴-۵. علوم و معارف بشری

یکی از اصول مهم در ساخت چیستان، طرح معما با امور عینی و ملموس است. سازنده چیستان با نگاهی دقیق به امور محسوس اطراف خود می‌نگرد و از میان انبوه مشاهداتش، آنچه را قابلیت کتمان و عدم تصریح به اسم دارد، برمی‌گزیند و به صورتی رمزگونه، در قالب معما طرح می‌نماید. توجه به امور عینی و محسوس در ساخت چیستان به دو سبب است که عبارت‌اند از: فراوانی و کثرت امور محسوس نسبت به امور انتزاعی و غیرمحسوس؛ و آگاهی و شناخت عامه مردم از امور محسوس و توانایی آنان در پیش‌بینی و تخمین جواب چیستان. شاید بتوان گفت این حقیقت در طرح چیستان، شبیه به فلسفه تشبیه در زبان ادبی است که همانندکردن امور غیرمحسوس به محسوس است، برای مثال تشبیه عشق به آتش یا ایمان به حصار. با این توضیح می‌توان دریافت، طرح چیستان با امور انتزاعی و غیرمحسوس مانند «علوم و معارف بشری»، برای آفریننده کاری صعب و برای مخاطب دشواریاب خواهد بود. بر این اساس، می‌توان گفت که در فرهنگ عامه ایلامیان، چیستان‌هایی با موضوع علوم و

معارف بشری، دایره شمول کمتری دارند که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مثال: **ئه‌وه چه‌س که هرچگ بۆشی ها له ناوی.**

?awa ças ka harçeg büşi hâ la nâwê

برگردان: آن چیست که هرچه بگویید، درونش یافت می‌شود.

جواب: حروف الفبا.

مثال: **وه چه‌ینگه هن تونه وه‌لی مه‌ردم له تو فره‌تر وه کاری وه‌ن.**

wa çâêga hen tona walê mardem la to ferater wa kêrê wan

برگردان: آن چیست که مال توست؛ اما مردم بیشتر از تو آن را به‌کار می‌برند.

جواب: اسم شخص.

مثال: **مرخ یه‌کی خا دوانزه، جۆجگ هزار و سیسه‌د و په‌نجا و پانزه.**

merx yakê xâ dwânza, jüjeg hazâr o sêsad o panja o pânza

برگردان: یک مرغ دوازده تخم‌مرغ و هزار و سیصد و پنجاه و پانزده جوجه دارد.

جواب: سال و ماه و روز.

مثال: **سالی یه‌ی جار جوان دوو.**

SaLê yaê jâr jwân du

برگردان: سالی یک‌بار جوان می‌شود.

جواب: نوروز.

مثال: **سئ په‌نج پانزه دو هه‌فده سئ بیس.**

Sê panj pânza do havda sê bis

برگردان: سه پنج پانزده و دو هفده و سه بیست چند می‌شود؟

جواب: بیست.

۶-۴. عناصر و اجزاء طبیعت

این دسته از چیستان‌ها دربردارندهٔ عناصر طبیعی مانند آسمان، خورشید، ماه، ستارگان، ابر، آب، زمین، کوه، سایه، دود و ... هستند. زندگی ایلامیان در دامن طبیعت و آشنایی و شناخت آنان با عناصر و اجزاء زیبای طبیعت، باعث شده است تا این امور در چیستان‌های عامهٔ آنان، نمود و تجلی خاصی داشته باشد که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مثال: **قالی چوار گووشه پر نامی قورووشه.**

Qâli çwâr guşa peř nâmê qoruşa

برگردان: یک قالی چهارگوشه داخل آن پر از سکه است.

جواب: آسمان پرستاره.

مثال: **سافه هه چۆ سان، چه فته چۆ که مان، نه له زه مین و نه له ئاسمان.**

Sâfa çü hasân, çafra çü kamân, na la zamin o na la ?âsemân.

برگردان: به مانند سنگ صاف و به مانند کمان کج است، نه در زمین قرار دارد نه در

آسمان.

جواب: رنگین کمان.

مثال: **جام زهرد زافران، ها پیشت کوهی کافران.**

jâm zard zâferân, hâ pêşt kûaê kâferân

برگردان: جام زرد زعفرانی‌رنگ که در پشت کوه کافران قرار دارد.

جواب: خورشید.

مثال: **عه جایب چیشتی دیمه له جهان، دۆه ته پیرتر و دالگی جوان.**

?ajâêeb cêştê dima la jahân, düata pîrter o dâlLegê jwân

برگردان: عجایبی در این جهان دیدم که دختر پیر و مادرش جوان است.

جواب: پنبه و گل پنبه.

مثال: موان کهو کهسه خان، ده‌ریا بری بی سخان.

Mwân kaw kasa xân, daria beřê bê sexân

برگردان: مادیان آبی کسه خان، از دریا می‌گذرد؛ ولی استخوان ندارد.

جواب: زالو.

مثال: نه دهس دی‌ری و نه پا، لؤلّه دوو وهره و خودا.

Na das dêrê na pâ, lûla du waraw xodâ

برگردان: نه دست دارد و نه پا، مانند لوله‌ای به سمت بالا می‌رود.

جواب: دود.

۵. نتیجه‌گیری

سنت چیستان‌گویی در زبان کردی ایلامی از گذشته‌های بسیار دور تا به امروز رواج دارد. چیستان‌های عامه ایلامی که در زبان کردی با عنوان «چه‌وچه» معروف است از گذشته‌های دور به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه تا به امروز رسیده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این چیستان‌ها می‌توان به کوتاهی و سادگی آن‌ها اشاره کرد. از آنجا که بخش اصلی چیستان‌های ایلامی در گروه چیستان‌های مثنوی جای دارند، فاقد وزن عروضی هستند؛ با وجود این، سعی سازندگان چیستان‌ها بر این بوده است که آن‌ها را در دوپاره یا بیشتر بیافرینند و با استفاده از نوعی هارمونی واژگانی و نیز بهره‌بردن از اصوات معروف یا مهمل زبان محلی، نوعی موسیقی شبیه به وزن دوری در دوپاره ایجاد کنند تا ضمن گوش‌نوازی بودن، بیشتر در اندیشه مخاطب ماندگار گردند.

از مهم‌ترین کارکردهای نوع چیستان در زبان و فرهنگ ایلامی می‌توان به دو جنبه سرگرمی و تشحیذ ذهن اشاره کرد. در یک نگاه کلی می‌توان چیستان‌های عامه ایلامی را متناسب با اجزاء سازنده آن‌ها در شش گروه با موضوعات گیاهان و میوه‌ها، حیوانات و اجزاء حیوانی، انسان و حالات و اجزاء انسانی، ابزار و محصولات بشری، عناصر و اجزاء طبیعی و علوم و معارف بشری طبقه‌بندی کرد. بیشترین کارکرد چیستان‌های

عامیانه ایلامی در گروه چیستان‌هایی با موضوع عناصر و اجزاء طبیعت قرار می‌گیرند و کمترین کارکرد از آن چیستان‌هایی با موضوع علوم و معارف بشری است.

پی‌نوشت‌ها

1. yoišta
2. Fryana
3. Axtya
4. Madigan Yoišt Friyan

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ۸ ج. تهران: سخن. چ اول.
- جعفری، اسدالله (۱۳۸۹). *نامه باستان در بوته داستان*. تهران: علمی فرهنگی. چ اول.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱). *سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)*. تهران: افکار. چ دوم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: لغت‌نامه دهخدا.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). «ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. دوره ۱. ش ۱. صص ۹۳-۱۱۸.
- رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۸۰). *ترجمان البلاغه*. به کوشش احمد آتش و دیگران. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چ اول.
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۷۳). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. به کوشش سیروس شمیسا. ۲ ج. تهران: زوار. چ اول.
- شاملو احمد (۱۳۷۸). *کتاب کوچک*. تهران: مازیار.
- شفیع‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). *ادبیات فارسی از جامی تا روزگار ما*. ترجمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی. چ دوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *انواع ادبی*. تهران: فردوس. چ نهم.
- (۱۳۷۰). *بیان*. تهران: فردوس. چ سوم.
- (۱۳۸۹). *معانی*. تهران: میترا. چ دوم.

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۴. تهران: فردوس. چ دوازدهم.
- کزازی، جلال‌الدین (۱۳۷۳). *زیباشناسی شعر پارسی، بدیع*. ج ۳. تهران: نشر مرکز. چ اول.
- وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲). *حدائق‌السحر فی دقائق الشعر*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه سنایی / طهوری.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۸). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: هما. چ شانزدهم.